

## اوپک: بقا با حضور تولیدکنندگان بزرگ در آن

دکتر ناصر فرشاد گهر

پژوهشکده امور اقتصادی  
وزارت امور اقتصادی و دارایی

از اجلاس بغداد در سال ۱۹۶۰ که به تولد اوپک منجر شد، چهار دهه گذشته است. در این دوران این سازمان فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. در طول این سالها کشورهای جدیدی به جمع اعضای مؤسس اوپک پیوسته و البته برخی نیز این جمع را ترک گفته‌اند. به دلیل تمایزاتی که از جهات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان اعضا بود برخی از صاحب‌نظران مسائل اقتصاد بین‌الملل در آن دوران، عمر این مولود جدید را کوتاه تصور می‌کردند. این تمایزها به همراه شرایط اقتصادی جهانی و صنعت نفت باعث شد تا به حضور این تشکل نوحاسته توجه چندانی در آن سالها نشود. به هر حال واقعیت این است که منافع و ویژگیهای مشترکی نیز وجود داشته و دارد که باعث شده تا اعضا به ویژه پنج عضو اصلی به فکر ایجاد چنین سازمانی بیفتند و یقیناً همین ویژگیهاست که تداوم اوپک را باعث شده است. این ویژگیهای کلی عبارتند از:

الف - کشورهای مؤسس از کشورهای در حال توسعه بودند.

ب - این کشورها از صادرکنندگان بزرگ نفت خام بودند، و سهم قابل توجهی از بازار را در اختیار داشتند.

پ - اقتصاد این کشورها بشدت وابسته به صادرات نفت بود.

ت - آنها قادر نبودند بدون کمک خارجی از منابع طبیعی خود بهره‌برداری کنند، بنابراین نبض صنعت نفت آنها در دست شرکتهای بزرگ نفتی بود.

ث - مسائل حقوقی، موافقت‌نامه‌ها و امتیازات حاکم بر صنعت نفت آنها، تا حد زیادی شبیه به هم بود. در نتیجه مسایلی که خودنمایی می‌کرد و اختلاف‌هایی که بین کشورهای میزبان و کشورهای عامل بروز می‌نمود اغلب مشابه هم بود.<sup>۱</sup>

با نگاهی به تاریخ چهل ساله اوپک، درمی‌یابیم که علیرغم تمامی تحولات بین‌المللی و حتی با وجود جنگها و اختلافات سیاسی پیچیده بین برخی از اعضای اصلی، به دلیل همان ویژگیهای

مشترک اوپک به حیات خود ادامه داده است. البته بدیهی است که در طول این سالها بسیاری از اولویتها و مسائل رویاروی اوپک دگرگون شده و موضوعات جدیدی در کانون توجهات قرار گرفته است. در زمان تأسیس اوپک، سه مسئله مهم در مقابل کشورهای صادرکننده نفت وجود داشت: ۱- اختلاف فاحشی بین قیمت نفت تصفیه شده و هزینه استخراج آن وجود داشت و یکی از اهداف تشکیل‌دهندگان اوپک، به دست آوردن سهم بیشتری از این اختلاف بها بود. ۲- شرکتهای نفتی جدیدی از نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ وارد عرصه نفت شده بودند و بتدریج بازار نفت شکل رقابتی پیدا کرده بود. این امر باعث کاهش قیمت نفت و کاهش مالیات پرداختی شرکتهای کشورهای صاحب نفت شده بود. ۳- در طول دهه ۱۹۵۰، نسبت ذخایر به تقاضای نفت افزایش یافته بود و کشف ذخایر جدید به معنی افزایش ظرفیت تولیدی در آینده بود. به عبارت دیگر، این اندیشه که هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند بر قیمت جهانی نفت اثر بگذارد، تقویت شده بود.<sup>۲</sup>

اما در حال حاضر مسائل دیگری به وجود آمده که تداوم بقای اوپک و دستکم تأثیرگذاری این سازمان در بازار جهانی نفت را با تردید مواجه کرده است. یکی از مشکلات مهم این است که در بین کشورهای اوپک و بویژه در روابط کشورهای خاورمیانه، هنوز تفکر اقتصادی غلبه ندارد و رقابتهای سیاسی و مهمتر از آن، تفکرات سیاسی و سیاست‌زدگی، بر مناسبات اقتصادی غالب است. این تفکر چه در حوزه مناسبات سیاسی داخلی باشد و چه در حوزه روابط خارجی، آثار زیانباری خواهد داشت. در هر حال، سیاست به‌عنوان یک اولویت در منطقه حاکم است. باید افزود مسئله نفت، اوپک را از لحاظ اقتصادی حساس می‌کند، اما روابط سیاسی حاکم بین اعضا و رابطه اعضا با برخی از قدرتهای خارج از اوپک، دیدگاه و تصمیم‌گیری اقتصادی نسبت به نفت را به اولویت پایین‌تر، تنزل داده است.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، با وجودی که انرژی و بویژه نفت هنوز از جایگاه مهمی در نظام بین‌المللی برخوردار است اما انرژی دیگر اولویت سابق را ندارد، ضمن اینکه بازار نفت تقریباً به بازار خریداران تبدیل شده است. سیاستهای هماهنگ و سنجیده مصرف‌کنندگان عمده نفت، مانند ذخیره‌سازها، تولید از مناطق جدید، استفاده کارا و بهینه از انرژی باعث شده است که تقاضاکنندگان از نوعی برتری برخوردار باشند. خریداران می‌توانند تا مدتی نفت نخرند و از ذخیره استفاده کنند اما فروشندگان نفت برای اجرای طرحهای توسعه ملی خود و همچنین به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی محتاج فروش نفت هستند. بویژه پس از فروپاشی شوروی ضریب انحصاری اوپک کاهش یافته است و کشورهایی که حدود ۶۳ درصد از نیازهای نفت جهان را تأمین می‌کردند، هم‌اکنون تنها حدود ۳۷ درصد از تولید را در اختیار دارند.<sup>۴</sup> این درحالی است که اکثر اعضای اوپک با مشکلات اقتصادی مانند کسر بودجه، بدهی خارجی و عدم توازن در تراز پرداختها روبرو هستند.<sup>۵</sup> مشکلات اقتصادی این کشورها باعث شده است که طی دوران حیات اوپک، بیشتر اعضای آن بدون توجه به تغییرات ساختاری بازارهای بین‌المللی نفت و اقتصاد جهانی، تنها اهداف درآمدی تعیین شده در بودجه خود را در نظر گرفته و هنگام کاهش قیمت‌ها، برای دستیابی به اهداف بودجه اقدام به افزایش تولید کرده و حتی در برخی از موارد بدون توجه به منافع جمعی اعضا، به جای همکاری درصدد رقابت با یکدیگر برآمده‌اند.<sup>۶</sup> برآیند مشکلات درونی این سازمان و تحولات جهانی، اوپک را به سازمانی مؤثر اما منفعل تبدیل کرده است، که در مقابل رقبا و دشمنان مجهز و دارای برنامه، ابتکار عمل را در دست ندارد.<sup>۷</sup>

مشکلات سیاسی و اقتصادی اعضای اوپک باعث شده است که اعضای این سازمان به دو گروه متفاوت تقسیم شوند. یک گروه کشورهایی هستند که به دلایل مختلف، همواره به دنبال فروش بیشتر نفت در بازارند و گروه مقابل،

کشورهایی هستند که با استدلالهای متفاوت به رعایت سهمیه‌های تعیین شده اعتقاد دارند. گروه اول عمدتاً کشورهایی هستند که با مشکلات اقتصادی بسیاری دست به گریبان هستند و شرکتهای چندملیتی را به صورت گسترده‌ای در صنعت نفت خود مشارکت داده‌اند. بنابراین نیاز شدیدی به درآمد نفت دارند و در صورت لزوم حتی از تقلب کردن هم خودداری نمی‌کنند. ویژگی دیگر این گروه این است که غالباً دیدگاه کوتاه مدت دارند و به دلیل محدودیت ذخایر خود علاقه‌ای به در نظر گرفتن دیدگاه بلندمدت در برنامه‌ریزی خود ندارند. برای نمونه و به عنوان نماینده این گروه می‌توان به ونزوئلا اشاره کرد. گروه دوم کشورهایی هستند که علیرغم مشکلات بسیار زیاد اقتصادی و وابستگی شدید به درآمد نفت، به دلایل مختلف همچون توجه به برنامه‌ریزیهای بلندمدت (با توجه به ذخایر بالای این کشورها)، و همچنین به دلیل مشکلات تولید و فروش از رعایت سهمیه‌ها حمایت می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به عنوان یک کشور شاخص در این گروه نام برد. سایر اعضای اوپک نیز با توجه به شرایط زمانی، در هر برهه به سوی یکی از قطبها جذب می‌شوند. در این میان، عربستان وضعیت ویژه‌ای دارد. این کشور از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به بعد همواره در میان گروه اول جای گرفته و بارها ناکارآمدی سیستم سهمیه‌بندی اوپک را خاطر نشان کرده و حتی در برخی از ادوار در میان متخلفان جای داشته است. اما این جهت‌گیری ناشی از مشکلات اقتصادی یا تعهد نسبت به خارجیان نبوده است. به نظر می‌رسد مسائل سیاسی از جمله روابط ویژه سعودیها با آمریکا، و رقابت آنها با برخی از کشورهای اوپک و غیر اوپک برای حضور در بازار آمریکا نقش مهمی در سیاستهای پادشاهی عربستان داشته باشد. در واقع عربستان در برخی مقاطع از حیثیات اوپک با حمایت از افزایش تولید و با کاهش قیمتها کوشیده است رقبا و دشمنان سیاسی خود را با مشکل روبرو

○ یکی از مشکلات مهم اوپک این است که بین اعضای آن و بویژه در روابط کشورهای خاورمیانه، هنوز تفکر اقتصادی غلبه ندارد و رقابتهای سیاسی و مهم‌تر از آن تفکر سیاسی و سیاست‌زدگی بر مناسبات اقتصادی غلبه دارد.

○ پس از فسر و پاشی شوروی، ضریب انحصاری اوپک کاهش یافته است و کشورهای که حدود ۶۳ درصد از نیازهای نفت جهان را تأمین می کردند اکنون تنها حدود ۳۷ درصد از تولید را در اختیار دارند.

سازد. در مورد بازار آمریکا نیز باید به این نکته اشاره کرد که عربستان به دلایل مختلف و عمدتاً به دلایل سیاسی و امنیتی می کوشد تا سهم تعیین کننده ای در بازار آمریکا داشته باشد. نکته جالب توجهی که در بحران سقوط بهای نفت در سال ۱۹۹۷ به چشم می خورد این است که در سالهای منتهی به ۱۹۹۷ سهم عربستان در واردات نفت ایالات متحده روندی کاهنده یافته بود بطوری که سهم عربستان در بازار آمریکا از ۱۹/۵۷ درصد در سال ۱۹۹۳، به ۱۵/۸۶ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافته و همزمان، سهم ونزوئلا در این بازار طی همین سالها از ۱۴/۳۲ درصد به ۱۶/۴۳ درصد افزایش یافته بود.<sup>۸</sup> در این سال عربستان با تحمیل افزایش تولید به اوپک در اجلاس جاکارتا، همزمان با بروز بحران در اقتصاد جهانی، موجبات کاهش بی سابقه بهای نفت را فراهم آورد. پس از این واقعه و در سالهای بعدی با توجه به مشکلات شدیدی که اقتصاد کشورهای نفت خیز را در بر گرفت، همه صادرکنندگان نفت، حتی کشورهای غیر اوپک به کاهش تولید متمایل شدند و اجلاس سه جانبه عربستان، ونزوئلا و مکزیک (سه رقیب عمده در بازار آمریکا) که چند نوبت برگزار شد، زمینه های افزایش تولید را فراهم کرد؛ و یکی از تصمیمات اتخاذ شده در جلسات آن، تقسیم بازار آمریکا و اختصاص مقام نخست به عربستان بود.

به هر حال اعضای اوپک هم رقیب یکدیگرند و هم شریک. کشورهایایی که دارای ذخایر کمتری هستند تمایل دارند که در آمدشان را از طریق قیمتها به حداکثر برسانند و کشورهای که ذخایر بیشتری دارند مایلند که از طریق افزایش سهم بازار، جریان درآمدهای خود را در طول زمان افزایش دهند.<sup>۹</sup> در این میان، کشورهای وجود دارند که به دلیل محدودیتهای تولید و فروش یا دلایل دیگر، علیرغم ذخایر بالای خود به گروه نخست پیوسته اند. عراق نیز یک مورد ویژه است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد از سیستم سهم بندی اوپک خارج شده است. این

در حالی است که با توجه به تولید تاریخی عراق و بالحفاظ کردن مشکلات حادث فنی موجود در صنعت نفت این کشور و همچنین با توجه به مصرف داخلی آن، محدودیتهایی که در سالهای اخیر برای عراق وضع شده متناسب با حداکثر توان تولیدی این کشور است، و این عملاً به مفهوم آزاد گذاشتن کامل تولید نفت عراق است. بنابر این آمریکا و غرب از این طریق عملاً تولید یکی از عمده ترین صادرکنندگان نفت اوپک را از سیستم سهم بندی اوپک خارج کرده اند.<sup>۱۰</sup> پیش از اجلاس ۱۰۹ اوپک، مقامات دولت عراق با ارسال نامه ای به دبیر کل این سازمان، ضمن تقاضای بازگشت به سیستم سهم بندی اوپک سهمیه مشخصی را نیز درخواست نمودند. به اعتقاد کارشناسان نفتی، هدف عراق از این درخواست، بهره برداری سیاسی و تبلیغی است، بویژه طی سالهای اخیر سیستم سهم بندی در اوپک اعمال نمی شود و برای کاهش تولید، آخرین تولید واقعی اعضا مورد توجه قرار می گیرد.<sup>۱۱</sup>

با توجه به مسائل و مشکلاتی که در بالا ذکر شد، پیش بینی آینده این سازمان کار دشواری است، اما می توان در این رابطه به یک سناریو اشاره کرد. اکنون، اوپک نیاز به خانه تکانی دارد و شاید پنج عضو مؤسس آن (ونزوئلا، عربستان، ایران، عراق و کویت) شرایط عضویت را با توجه به اختلاف خواسته های اعضای موجود و میزان ذخایر آنها مورد تجدیدنظر قرار دهند و از تجارب گذشته در راستای بهبود ساختار سازمان اوپک استفاده نمایند. مسئله مهم دیگر این است که این کشورها باید استراتژی بلندمدت خود را مورد ارزیابی قرار دهند.

برای بررسی احتمال بقای اوپک با حضور تولیدکنندگان بزرگ آن، باید از دو زاویه این موضوع را بررسی کرد. نخست باید احتمال خروج برخی از اعضای کوچکتر از سازمان را بررسی کرد و پس از آن باید به احتمال حضور تولیدکنندگان بزرگ در کنار یکدیگر پرداخت. درباره احتمال خروج اعضای کوچکتر، بطور خلاصه باید گفت که با توجه به میزان ذخایر و

تولید این کشورها، و با توجه به مشکلات سیاسی و اقتصادی آنها، در آینده امکان دارد که این کشورها نتوانند به وظایف و تعهدات خود در برابر اوپک عمل کنند و منافع ملی آنها در ترك اوپک باشد.

اما برای ارائه تحلیلی از آینده اوپک با حضور تولیدکنندگان بزرگ آن، سیاستها و روابط تولیدکنندگان عمده و اعضای مؤسس اوپک را بررسی می‌کنیم.

در مورد وتزونا پیش از این اشاره کردیم که این کشور در سالهای گذشته تعهد چندانی به رعایت سهمیه تعیین شده از جانب اوپک، نداشته است. اما به نظر می‌رسد وتزونا نمی‌تواند قیمت‌های بسیار پایین را تحمل کند و به همین دلیل بعید به نظر می‌رسد که این کشور در شرایط کنونی اوپک را ترك کند. برای تأکید بر این مدعا می‌توان به این نکته اشاره کرد که در سالهای اخیر و به دنبال کاهش بی‌سابقه بهای نفت وتزونا نیز ضرورت همکاری با اوپک را درک کرده است. آمارها نشان می‌دهد که این کشور که سالها به سهمیه خود بی‌توجهی می‌کرد اکنون کاملاً به تعهد خود پایبند است.<sup>۱۱</sup>

روابط میان سه تولیدکننده بزرگ خلیج فارس یعنی عربستان، ایران، و عراق را می‌توان به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل در تحقق سناریوی بقای اوپک با تولیدکنندگان بزرگ آن، مورد بررسی قرار داد. رقابت و بدگمانی حاکم بر روابط این کشورها و حتی دشمنی میان آنها در سالهای گذشته ضربات زیادی به اوپک وارد کرده<sup>۱۲</sup> و حتی در برخی از برهه‌ها اوپک را تا مرز فروپاشی پیش برده است. البته در سالهای اخیر و بویژه با رویکرد ایران به سیاست تنش‌زدایی، روابط ایران و عربستان رو به بهبود رفته است و همین عامل را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده موفقیت اوپک در کنترل سقوط بهای نفت در سالهای پایانی قرن بیستم و افزایش انسجام درونی این سازمان، نام برد. خط‌مشی نفتی ایران بیشتر بر پایه تلاش برای ثبات و قابل پیش‌بینی بودن قیمت‌ها بوده است. برای حصول چنین هدفی ایران به همکاری

عربستان سعودی و دیگر تولیدکنندگان عمده نفت و همچنین مصرف‌کنندگان و شرکتهای نفتی نیاز دارد.<sup>۱۳</sup> اما ارتباط عربستان با آمریکا و تکیه سعودیها به نیروهای نظامی آمریکا و تبلیغات آمریکا و غرب در مورد خطر تسلیح ایران و عراق عاملی است که ممکن است نوعی بدگمانی و احتیاط را بین این کشورها به وجود آورد. در صورت بازگشت عراق به نظام سهمیه‌بندی اوپک، این سازمان باید سهم عراق را از تولید معین کند. در زمان خروج عراق از بازار جهانی نفت برخی از تولیدکنندگان دیگر، بویژه عربستان جای این کشور را گرفتند و حال باید این کشورها به اندازه افزایش تولید عراق از تولید خود بکاهند. گذشته از این، حضور عراق به معنی کاهش صادرات ایران هم هست.<sup>۱۴</sup> اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا پس از بازگشت کامل عراق به بازار، این کشور می‌تواند در مورد حجم نفت صادراتی خود با ایران و عربستان توافق کند؟ فرض کنیم که این سه کشور اصلی منطقه هیچ مشکلی نداشته باشند و برای استفاده از ذخایر دیگرشان به اندازه کافی سرمایه‌گذاری نمایند. در چنین وضعیتی ممکن است طی ده سال تولید عراق به ۷ میلیون بشکه در روز و تولید عربستان و ایران هم به ترتیب به ۱۲ و ۶ میلیون بشکه در روز برسد و شاید این کشورها بتوانند ۶۰ درصد از نفت بازارهای جهانی را صادر نمایند. همچنین فرض کنید در این ده سال باثبات نسبی تقاضای نفت، عرضه اضافی اندک اندک کاهش یابد و در پایان این دوره تعادل بین عرضه و تقاضا ایجاد گردد. سرانجام فرض کنید که به موازات کاهش صادرات نفت در سایر مناطق جهان یا به دلیل رشد مصرف، وابستگی جهان به نفت خلیج فارس بیشتر گردد. با چنین سناریویی قابل تصور است که سیاست نفتی این سه کشور بتواند هماهنگ و مکمل یکدیگر باشد.<sup>۱۵</sup>

نکته دیگری که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد، این است که با کاهش اهمیت منطقه خاورمیانه در معادلات سیاسی جهان و با کاهش توجه و علائق قدرتهای جهانی در این منطقه،

○ برآیند مشکلات درونی اوپک و تحولات جهانی، این سازمان را به سازمانی مؤثر اما منفعل تبدیل کرده است که در مقابل رقبای و دشمنان مجهز و دارای برنامه، ابتکار عمل را در دست ندارد.

○ اوپک نیاز به خانه تکانی دارد و شاید پنج عضو مؤسس آن، با توجه به اختلاف خواسته‌های اعضای موجود و میزان ذخایر آنها، در شرایط عضویت تجدیدنظر کنند و از تجارب گذشته در راستای بهبود ساختار سازمان استفاده نمایند.

ممکن است همبستگی بین کشورهای این منطقه بیشتر شود. البته این مسئله خود یکی از دلایل رقابت در بازار آمریکاست. به عبارت دیگر، رژیم حاکم بر عربستان بقا و اقتدار خود را در گرو توجه و حمایت آمریکا می‌بیند و لذا می‌کوشد تا با به دست آوردن سهم قابل توجهی در تأمین انرژی مصرفی آمریکا، همچنان در کانون توجه آمریکاییها باقی بماند. در نیم قرن گذشته متغیرهایی چون جنگ سرد، روابط اعراب و اسرائیل، نفت، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و غیره اهمیت زیادی به خاورمیانه داده است. اما در سالهای اخیر با سیاستهای کشورهای صنعتی اهمیت این منطقه در تأمین نفت جهان کاهش یافته و پایان جنگ سرد هم به کاهش اهمیت استراتژیک این منطقه در نظام جهانی منجر شده است.<sup>۱۷</sup> بنابراین روشن است که اعضای اوپک، بویژه اعضای خاورمیانه‌ای این سازمان، با توجه به وضعیت سیاسی-اقتصادی خود، در صورت جدایی از هم جایگاه مناسبی در معادلات سیاسی-اقتصادی بین‌المللی نخواهند داشت. اما اوپک به عنوان یک مجموعه واحد می‌تواند منافعی برای آنها داشته باشد و آنها را همچنان در کانون توجهات جهانی قرار دهد.

بر اساس بررسی‌های مرکز مطالعات جهانی انرژی، ترکیب سازمان اوپک در آینده به همان گسترده‌گی سابق باقی خواهد ماند. تحولات تاریخی اخیر نشان داده است که هنگام کاهش بهای نفت، گرایش به همکاری در سازمان قوت می‌یابد. به عبارت دیگر، اعضای اوپک از بزرگ تا کوچک، دریافته‌اند که در نهایت بهتر است که متحد بمانند تا اینکه احتمال خطر تغییرات انجام گسیخته بهای نفت را بپذیرند. عزم اعضای اوپک برای کنترل عرضه در بلندمدت، ویژگیهای همسان در کشورهای عضو اوپک و تأثیر بسیار بالای درآمدهای نفت بر اقتصاد کشورهای مزبور، نوعی همگرایی در میان اعضا پدید آورده است. بنابراین طی ماههای آغازین هزاره سوم، حتی جناحی که در گذشته معتقد به دستیابی به سهم بالاتر از بازار نفت بود و حمایت از قیمت‌های بیشتر را منتفی می‌دانست، اینک تا حدود بیشتری

هماهنگ با سایر اعضا در جهت تعدیل قیمت‌ها عمل می‌کند.<sup>۱۸</sup> البته ممکن است این تشریک مساعی همیشه با مشارکت کلیه اعضای فعلی صورت نگیرد. یعنی این امکان وجود دارد که برخی اعضا از این سازمان جدا شوند؛ همانطور که اوپک پیش از این دو عضو خود یعنی اکوادور و گابن را از دست داد. به این ترتیب می‌توان گفت که جدایی اوپک برای تولیدکنندگان کوچک کاهش یافته است؛ زیرا آنها مجبورند تعهداتی به سازمان بپردازند و دوشادوش تولیدکنندگان بزرگ، محدودیتهایی را بر تولید خود اعمال نمایند<sup>۱۹</sup> زیرا در صورت کاهش بهای نفت، همه تولیدکنندگان باید کاهش در تولید را بپذیرند.

کشورهای عضو اوپک را می‌توان با توجه به نسبت ذخایر به تولید، به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول کشورهایی هستند که نسبت ذخیره به تولید در آنها در سال ۱۹۹۸ بیشتر از تیم قرن بوده است. این کشورها عبارتند از عراق، کویت و امارات عربی متحده (با نسبت ذخیره به تولید بیشتر از ۱۰۰ سال)؛ عربستان سعودی (با نسبت ذخیره به تولید ۸۰/۷ سال)؛ ایزران (با نسبت ذخیره به تولید ۶۵/۳ سال)؛ ونزوئلا (با نسبت ذخیره به تولید ۶۰/۹ سال)؛ و لیبی (با نسبت ذخیره به تولید ۵۶/۴ سال).<sup>۲۰</sup>

مشاهده می‌شود که مهمترین این کشورها، همان تولیدکنندگان منطقه خلیج فارس هستند. پیش‌بینی‌های انجام شده توسط برخی از شرکت‌های بین‌المللی حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۵ با کاهش شدید تولید در بسیاری از مناطق جهان، کشورهای عربستان، عراق، ایران، کویت، و امارات، اهمیت بیشتری در تأمین نفت مورد نیاز جهان خواهند یافت.<sup>۲۱</sup>

سایر کشورهای اوپک با توجه به سطح ذخایر خود، در سالهای آتی به احتمال زیاد اوپک را ترک خواهند کرد. جدول ۱، احتمال خروج شش کشور از اوپک را بر اساس پیش‌بینی مرکز مطالعات جهانی انرژی برای سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.<sup>۲۲</sup>



تا سال ۲۰۱۰

٪۳۰	٪۴۰	٪۵۰
لیبی قطر	الجزایر ونزوئلا نیجریه	اندونزی

○ اعضای اوپک، بویژه اعضای خاورمیانه‌ای آن با توجه به وضع سیاسی-اقتصادی خود، در صورت جدایی از هم جایگاه مناسبی در معادلات سیاسی-اقتصادی بین‌المللی نخواهند داشت. اما اوپک به عنوان یک مجموعه می‌تواند منافعی برای آنها داشته باشد و آنها را همچنان در کانون توجهات جهانی قرار دهد.

## جدول ۲- تولید و درآمد نفت اوپک، در صورت محدودیت تولید اعضای اصلی

(هزار بشکه در روز - میلیارد دلار)

سال	۱۹۹۵		۲۰۰۰		۲۰۰۵		۲۰۱۰	
	تولید	درآمد	تولید	درآمد	تولید	درآمد	تولید	درآمد
عربستان سعودی	۸۰۲۴	۴۹/۵	۸۰۷۲	۴۴/۲	۸۱۴۶	۶۵/۴	۱۰۱۳۷	۱۳۳/۲
عراق	۶۰۰	۳/۷	۲۵۹۰	۱۴/۲	۶۶۶۰	۵۳/۵	۶۱۴۰	۸۰/۷
ایران	۳۵۷۵	۲۲/۱	۳۴۱۵	۱۸/۷	۳۵۱۲	۲۸/۲	۴۶۱۳	۶۰/۶
کویت	۲۰۱۸	۱۲/۴	۲۲۵۱	۱۲/۳	۲۵۲۳	۲۰/۳	۳۳۵۷	۴۴/۱
امارات متحده عربی	۲۱۸۰	۱۳/۴	۲۰۹۶	۱۱/۵	۲۲۲۵	۱۷/۹	۲۹۳۷	۳۸/۶
قطر	۴۴۰	۲/۷	۶۶۴	۳/۶	۶۳۳	۵/۱	۵۱۶	۶/۸
لیبی	۱۳۹۴	۸/۶	۱۵۷۵	۸/۶	۱۸۲۸	۱۴/۷	۲۲۶۹	۲۹/۸
الجزایر	۷۷۴	۴/۸	۱۰۶۵	۵/۸	۱۰۵۰	۸/۴	۸۳۰	۱۰/۹
نیجریه	۱۸۸۶	۱۱/۶	۲۳۷۵	۱۲	۲۵۸۰	۲۰/۷	۲۵۱۰	۳۳
ونزوئلا	۲۶۴۳	۱۶/۳	۴۱۰۰	۲۲/۴	۵۸۰۹	۴۶/۶	۶۰۰۰	۷۸/۸
اندونزی	۱۳۳۰	۸/۲	۱۴۹۱	۸/۲	۱۳۶۸	۱۱	۱۲۱۸	۱۶
جمع اوپک	۲۴۸۶۴	۱۵۳/۴	۲۹۶۹۳	۱۶۲/۶	۳۶۳۳۴	۲۹۱/۸	۴۰۵۲۷	۵۳۲/۵

## جدول ۳- تولید و درآمد نفت اوپک در صورت مشارکت همه اعضا در محدودیت تولید

(هزار بشکه در روز - میلیارد دلار)

سال	۱۹۹۵		۲۰۰۰		۲۰۰۵		۲۰۱۰	
	تولید	درآمد	تولید	درآمد	تولید	درآمد	تولید	درآمد
عربستان سعودی	۸۰۲۴	۴۹/۵	۸۷۹۴	۴۸/۱	۹۱/۳۲	۷۳/۳	۱۰۷۷۴	۱۴۱/۶
عراق	۶۰۰	۳/۷	۲۵۹۰	۱۴/۲	۶۶۶۰	۵۳/۵	۶۱۴۰	۸۰/۷
ایران	۳۵۷۵	۲۲/۱	۳۷۶۹	۲۰/۶	۳۹۴۳	۳۱/۷	۴۹۳۸	۶۴/۹
کویت	۲۰۱۸	۱۲/۴	۲۵۱۳	۱۳/۸	۲۸۸۷	۲۳/۲	۳۵۹۱	۴۷/۲
امارات متحده عربی	۲۱۸۰	۱۳/۴	۲۳۰۳	۱۲/۶	۲۵۲۱	۲۰/۲	۳۱۴۲	۴۱/۳
قطر	۴۴۰	۲/۷	۵۵۴	۳	۵۲۳	۴/۲	۴۴۹	۵/۹
لیبی	۱۳۹۴	۸/۶	۱۳۴۰	۷/۳	۱۵۴۰	۱۲/۴	۲۰۶۵	۲۷/۱
الجزایر	۷۷۴	۴/۸	۹۶۳	۵/۳	۸۶۳	۶/۹	۷۱/۸	۹/۴
نیجریه	۱۸۸۶	۱۱/۶	۲۰۱۰	۱۱	۲۱۵۸	۱۷/۳	۲۲۴۵	۲۹/۵
ونزوئلا	۲۶۴۳	۱۶/۳	۳۶۰۱	۱۹/۷	۴۹۸۳	۴۰	۵۳۸۷	۷۰/۸
اندونزی	۱۳۳۰	۸/۲	۱۲۵۵	۶/۹	۱۱۲۴	۹	۱۰۷۷	۱۴/۲
جمع اوپک	۲۴۸۶۴	۱۵۳/۴	۲۹۶۹۳	۱۶۲/۶	۳۶۳۳۴	۲۹۱/۸	۴۰۵۲۷	۵۳۲/۵

بطور خلاصه می‌توان گفت که اعضای کوچک اوبک دیر یا زود این سازمان را ترک خواهند گفت و دستکم میزان اثرگذاری و مشارکت آنها در اقدامات اوبک تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت. بنابراین در چند سال آینده اوبک عملاً از چند تولیدکننده بزرگ خلیج فارس و احتمالاً ونزولا تشکیل خواهد شد. با توجه به شرایط اقتصاد جهانی و بازار نفت و با توجه به اوضاع سیاسی-اقتصادی این کشورها، انحلال اوبک به نفع هیچکدام نیست. بنابراین انتظار می‌رود که اوبک با ترکیب تولیدکنندگان بزرگ، به حیات خود ادامه دهد. اما این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که در این صورت سیاستها و تفکراتی که هم‌اکنون بر این سازمان حاکم است در عصر جدید و با کاهش تعداد اعضا، کارساز نخواهد بود، و سازمان باید استراتژی جدیدی برای حفظ و افزایش اثرگذاری خود در صحنه جهانی، در پیش بگیرد.

### یادداشت‌ها

۱. «اوبک و اندیشه‌های نو»: مشعل، شماره ۱۴۱، نیمه دوم مهرماه ۱۳۷۷، ص ۲۰.
۲. عبدالناصر همتی، اقتصاد نفت (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴)، صص ۵۷ و ۵۹.
۳. «میزگرد. جایگاه ایران در اقتصاد مطلقه‌ای»: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۷۸، ص ۹.
۴. همان، ص ۱۱.
۵. «آینده اوبک»، از مجموعه گزارش‌های منتشر شده مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، اردیبهشت ۷۳، ص ۱۰.
۶. «اوبک و آزمون دیگر»، مشعل، شماره ۱۷، نیمه اول بهمن ۷۸، ص ۲۶.
۷. «اوبک، مؤثر اما منفعل و نیازمند استراتژی بلندمدت»، اقتصاد انرژی، شماره ۱۰، اسفند ۷۸، ص ۲.
۸. آمارها بر اساس اطلاعات منبع زیر محاسبه شده است: OPEC Annual Statistical Bulletin, 1997; TABLE 51.
۹. «میزگرد- عواقب سیاسی کاهش قیمت نفت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۰،

مرکز مطالعات جهانی انرژی بر اساس مطالعاتی که در سال ۱۹۹۶ انجام داده دو احتمال را برای آینده اوبک بررسی کرده است. احتمال اول این است که کشورهای کوچک عضو اوبک، با حداکثر ظرفیت خود تولید نمایند و اگر تحت فشار قرار گیرند ممکن است سازمان را ترک نمایند. عراق نیز با توجه به مشکلات مختلف خود تعهدی در اوبک نخواهد داشت. در این صورت چهار کشور عربستان، ایران، کویت و امارات بار سنگین تنظیم بازار را به تنهایی به دوش خواهند کشید. در این شرایط سهم این کشورها از درآمد اوبک کاهش خواهد یافت. ۲۳ نتایج این سناریو در جدول ۲، منعکس شده است.

در این حالت چهار کشور اصلی اوبک یا باید این وضع را قبول کنند که در این صورت، عملاً اوبک چهار عضو خواهد داشت یا اینکه باید تولید خود را افزایش دهند که باعث تخریب بازار خواهد شد.

اما حالت دیگر این است که اعضای اصلی اوبک بتوانند دیگر اعضا را هم متقاعد کنند تا در تقسیم بار سنگین کنترل تولید با آنها مشارکت نمایند. در این صورت بار کنترل تولید، بین همه تقسیم خواهد شد، و اعضای اصلی نسبت به حالت قبل کمتر زیان خواهند دید. نتایج این سناریو در جدول ۳ ارائه شده است. ۲۴

بطور کلی باید گفت در شرایط کنونی اعضای اوبک می‌دانند که برای تضمین برقراری قیمت منصفانه در بازار باید این سازمان را تقویت کنند. در چنین شرایطی خروج از اوبک برای تمامی این کشورها انتخاب آسانی نیست و وقایع سالهای پایانی قرن بیستم این واقعیت را اثبات کرد. برخی از برآوردها نشان می‌دهد که میزان کاهش درآمد نفتی در سال ۱۹۹۸ نسبت به سال قبل، برای عربستان ۳۵ درصد، ایران ۳۵ درصد، الجزایر ۳۵ درصد، اندونزی ۳۲ درصد، کویت ۳۳ درصد، لیبی ۳۶ درصد، نیجریه ۳۶ درصد و برای قطر ۲۶ درصد بوده است. این وضعیت باعث شد که تمام اعضای اوبک ضرورت کاهش تولید و همکاری برای افزایش بهای نفت را احساس

○ بر اساس برآورد  
پیش‌بینی‌ها، در سال ۲۰۰۵  
با کاهش شدید تولید نفت  
در بسیاری از مناطق جهان،  
کشورهای خاورمیانه بویژه  
عربستان، ایران، عراق،  
کویت و امارات اهمیت  
بیشتری در تأمین نفت مورد  
نیاز جهان خواهند یافت.

○ اعضای کوچک اوپک دیر  
 یازوداین سازمان راترك  
 خواهند گفت یادستكم  
 میزان اثرگذاری و مشاركت  
 آنها در اقدامات اوپك بسیار  
 کاهش خواهد یافت .  
 بنابراین در چند سال آینده  
 اوپك عملاً از چند  
 تولیدکننده بزرگ  
 خلیج فارس و احتمالاً  
 ونزوئلا تشکیل خواهد شد .

- زمستان ۷۸، ص ۸.
۱۰. «نفت عراق: ابزار برای کنترل بازار نفت»: اقتصاد انرژی، شماره ۶، آبان ۱۳۷۸، ص ۵.
۱۱. «عراق و تقاضای بازگشت به نظام سهمیه بندی اوپك»: اقتصاد انرژی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۵.
۱۲. «کاهش تولید اوپك طی ۳ سال گذشته بی سابقه بوده است»، مشعل، شماره ۱۵۸، نیمه اول مرداد ۷۸، ص ۵.
۱۳. فریدون برکشلی، برگزیده دیدگاههای گروه دیامونت، ژانویه ۱۹۹۸ لندن (تهران، نشر قوس)، ص ۱۴.
۱۴. هوشنگ امیراحمدی، «جایگاه استراتژیک ایران در بازار جهانی نفت»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، مهر و آبان ۱۳۷۴، ص ۸۵.
۱۵. برکشلی، پیشین، ص ۱۵.
۱۶. همان، ص ۱۵۲.
۱۷. سعیده لطفیان، «دگرگونی قدرت و سیاست در خاورمیانه»: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۰، زمستان ۷۸، ص ۲.
۱۸. محمود قادی، «بازار نفت و ضرورت تثبیت قیمتها»: مشعل شماره ۱۶۷، نیمه دوم آذرماه ۷۸، ص ۱۹.
۱۹. مرکز مطالعات جهانی انرژی، عرضه، تقاضا و قیمت های نفت تا سال ۲۰۱۰، ترجمه داریوش فروغی (تهران: کمیته ملی انرژی ایران، ۱۳۷۶)، ص ۶۰.
20. BP Amoco Statistical Review of World Energy 1999.
۲۱. «در سال ۲۰۰۵ پنج کشور خاورمیانه عامل اصلی تولید نفت در جهان خواهند بود»: اقتصاد انرژی، شماره ۱۱، ۱۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۵۹.
۲۲. مرکز مطالعات جهانی انرژی، پیشین، ص ۶۲.
۲۳. همان، ص ۷۸.
۲۴. همان، ص ۸۱.
۲۵. «بررسی نوسانات بازار نفت در سال ۱۹۹۹»، اقتصاد سیاسی، پیش شماره اول، آبان ۷۸، ص ۴۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی